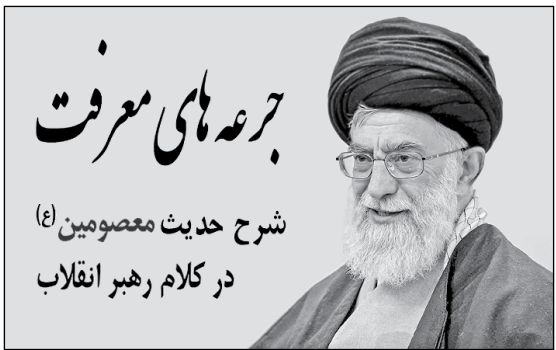


کیهان



کفران نعمت کی حاصل می‌شود؟

عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (عَلَيْهِمَا السَّلَامُ): قَالَ: طُوبَى لِمَنْ لَمْ يُبَدِّلْ نِعْمَةَ اللَّهِ كُفْرًا طُوبَى لِلْمُتَحَابِّينَ فِي اللَّهِ. ^(۱)
از امام جعفر صادق(ع) روایت شده است که حضرت فرمودند: خوشای به حال کسی که نعمت خداوند را به کفران انعمت! تبدیل نکند و خوشای به حال آنان که برای خدا به یکدیگر علاقه دارند.ا طوبی لبّن لم یُبَدِّلْ نِعْمَةَ الله کُفْرًا! این بسیار مطلب مهمی است: مسئله تبدیل نعمت خدا به کفران... گاهی خدای متعال نعمتی به انسان داده است؛ فرض بفرمایید نعمت «بیان»، نعمتی است؛ می‌توان این نعمت را در راه ترویج معارف الهی به کار برد، می‌توان هم آن را در جهت عکس به کار برد، این نعمت را اگر کسی در جهت عکس مقاصد الهی به کار ببرد، کفران این نعمت را کرده، نعمت را تبدیل کرده است به کفر.

فرض بفرمایید داشتن مال دنیا یک نعمت است؛ مال دنیا، نعمتی است که خداوند به بعضی عنایت می‌کند؛ می‌توان با این نعمت، درجات عالیه را کسب کرد - صدقه داد، لطفی کرد، کسائی را از بدبختی و اهلاکت و گرسنگی نجات داد- می‌توان هم بعکس، این پول را در راههای فساد، در راههای حرام، در راه اشاعه محرمّات، در راه افساد خود و دیگران به کار برد؛ این کفران نعمت الهی است.

قدرت و توانایی مدیریت و احراز مناصب مدیریتی یک نعمت است؛ یک روزی بود که ما و شما باید همین‌طور در جریان تصمیم مدیران جامعه -که به دشمنان دین و دشمنان کشور وابسته بودند- حرکت می‌کردیم، بدون اینکه اختیاری داشته باشیم؛ امروز، بسیاری از خود ما جزو مدیران کشور هستیم -در هر بخشی که هستیم، در هر حذی که هستیم- و قدرت ایجاد مسیر، تغییر مسیر، تصحیح مسیر را خدای متعال به ما داده است؛ این یک نعمت است، این نعمت را چه‌جور مصرف می‌کنیم؟ اگر در جهت خدمت به مردم و هدایت جامعه به آن ستمی که مطلوب دین خدا است این مدیریت به کار رفت، این شکر نعمت است، اگر چنانچه در این جهت به کار نرفت، معطل ماند یا عکسش به کار رفت، این کفر نعمت است. گاهی این کفران نعمتها، به‌حذی است که قابل جبران هم نیست...

•شرح حدیث در ابتدای درس خارج ، ۹۶/۲/۱۰
•پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار رهبر معظم انقلاب

(۱) امالی طوسی، مجلس اوّل، ص ۲۱

در محضر امام خمینی (ره)

معنی اهمال در نماز

یک شب ساعت ۷ بود، از بیرون رفتم منزل امام خلاصه اخبار را شنیدم، بعد با عجله گفتم بلند شو! نماز را بخوانم، وقتی نماز را خواندم و برگشتم خدمت امام، امام گفتند من احساس می‌کنم مسئولم اگر به تو نگویم، من مطمئی را می‌خواهم به تو نگویم و فکر می‌کنم دستشان را زدن روی سینه‌شان را گفتند اگر نگویم می‌ترسم مسئول باشم، شما چرا اینقدر به نمازات اهمال می‌کنی.
گفتم: من بیرون بودم، دانشکده علوم بودم، بعد از آنجا هم جای دیگری رفتم؛ بعد از آنجا به منزل آمدم، امام گفتند: نه برنامه‌ات را اجوری کن که نمازات اول وقت باشد، می‌دانید نماز سنون دین است و اگر نماز قبول نشود به هیچ عبادتی نگاه نمی‌کنند.
من گفتم: خداوند وقت وسیع برای ما قرار داده است، ما خودمان نباید ضیقش کنیم، من فکر می‌کردم اهمال به این است که ما با گاهی بی‌خوانیم، گاهی نتوانیم، نه اینکه به اصلا اول مغرب بلندش و ساعت ۷/۵ یا ۸ باشد.
اما امام گفتند: تخیر عدم اهمال و خفیف نشمردن به این است که شما هر کجا هستید نماز اول وقتتان را بخوانید، آن وقت یک مثالی می‌کنم این فردی زندک که اسبم او در خاطرم نیست. آقا می‌گفتند یک کسی اول طور بوده که خیابان اگر داشت می‌رفت و صدای اذان را می‌شنید از ماشین پیاده می‌شد، کنار خیابان و نماش را می‌خواند.
* عطر خوش نماز، زهر مصطفوی، صص ۳۳ و ۳۴.

استفتاء از رهبر معظم انقلاب اسلامی

خرید کالاهای شانس‌ی

س: آیا خرید کالاهای شانس‌ی جایز است؟

ج: اگر مورد معامله همان کالای داخل جعبه باشد اشکال ندارد، ولو به امید یافتن جایزه باشد اما اگر مورد معامله چیزی است که خصوصیت و مقدار آن مجهول است، چنین بیعی باطل است.

همت بزرگ و عدم آسایش تن

مگر اسکندر می‌توانست اسکندر باشد و تنش راحتی ببیندا مگر نادر، همان نادر سستمگر، همان نادری که از کله‌ها مناره می‌ساخت، همان نادری که چشم‌ها در درمی‌آورد. همان نادری که یک جاده‌طبی دیوانه و بزرگ بود، می‌توانست نادر باشد و تنش آسایش داشته باشد؟ گاهی گفتش، ده روز از پایش به نرمنی! امد، اصلا فرصت نمی‌کرد گفتش را درآورد. نقل می‌کنند که یک شب از همین دهنه زیر از جلوی یک کاروانسرا عبور می‌کرد، در زمستان سختی بوده، آن کاروانسرا درگفته بود که نیمه‌های شب بود که یک وقت دیدم در کاروانسرا را محکم می‌زنند، تا در باز کردم یک آدم قوی‌هیکل سوار بر اسب بسیار قوی‌هیکلی آمد تو، فورا گفت غذا چه داری؟ من چیزی غیر از تخم‌مرغ نداشتم. گفت: مقدار زیادی تخم‌مرغ آماده کن! من برایش آماده کردم، پختم، گفتم: نان بیاور، برای اسبم هم جو بیاور. همه اینها را به او دادم، بعد اسبش را تیمار کرد، دست به دست‌ها و پاها و تن اسب کشید. دو ساعتی آنجا بود و یک چرتی هم زد. وقتی خواست برود، دست به جیبش برد و یک مشت اشرفی بیرون آورد، گفت: دامنم را بگیر! دامنم را گرفتم، آنها را من می‌آید، وقتی آمد، بگو: نادر گفت: من فلان‌جا رفتم فورا پشت سر من بیایند. مرد کاروانسرا را می‌گوید: تا شام «هادر» دستم تکان خورد، دامن از دستم افتاد. گفت: می‌روی بالای پشت‌بام می‌ایستی، وقتی آمدند، بگو: توقف نکنند، پشتت سرر من بیایند. خودش در آن شب دو ساعت قبل از فوجش حرف می‌کرد، بعد فوج شاه آمدند اینجا، من از بالا که کردم نادر فرامان داد، اتراق باید در فلان نقطه باشد، اینها غرغ می‌کردند، ولسی یک نفر جرات نکرد که نرود، همه رفتند، خوب آدم اگر بخواهد نادر نباشد، دیگر نمی‌تواند در رختخواب پسر قو هم بخوابد. نمی‌تواند عالی‌ترین غذاها را بخورد... هرکس در هر رشته‌ای بخواهد همت بزرگ داشته باشد، روح بزرگ داشته باشد، بالاخره آسایش تن ندارد. ^(۱)

۱- گفتارهای معنوی، شهید مرتضی مطهری، ص ۱۶۹

در نخستین بخش از مطلب حاضر گوشه‌ای از خدمات فراوان امام‌علی(ع) به اسلام و امت اسلامی بازگو شد. در ادامه نقش هدایتی ائمه اطهار در فرهنگ‌سازی و آموزش عقاید به مردم و حفظ و صیانت از میراث گرقتدر پیامبر اکرم(ص) و نیز خدمات فراوان دانشمندان شیعی به علم و تمدن اسلامی تشریح شده است.

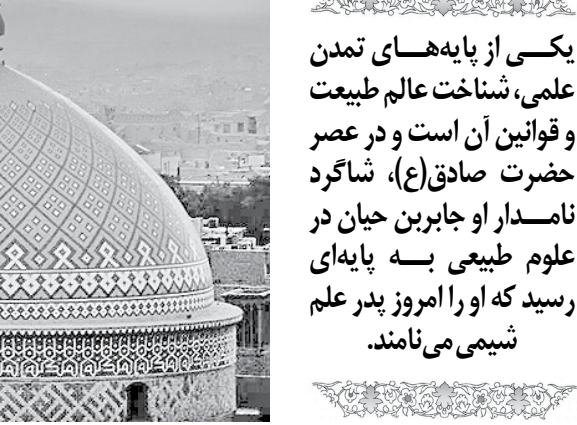
پس از شهادت امیرمؤمنان علی(ع) بسیاری از صحابه در مدینه و در نقاط دیگر، ندای حق را لبیک گفتند و به یک معنا دوران تابعان^(۱) آغاز شد، هرچند در میان این تابعان گروهی از صحابه نیز می‌زیستند. در این دوره که دوره تاریک خلافت اسلامی به شمار می‌رود، خلافت از مسیر واقعی خود، خواه تنصیصی و خواه شورایی، خارج شد و به صورت سلطنت موروثی درآمد. بنیانگذار آن معاویه و فرزند او یزید و بعدا مروان و آل مروان شدند. در این دوره ائمه اهل‌بیت(ع) نه‌تنها کنار زده شدند، بلکه مراقبت‌های شدیدی بر زندگی آنان انجام می‌شد.

آیا در این شرایط انتظار می‌رود که ائمه اهل بیت(ع) مصدر کاری باشند؟ اما پس از حکومت بیست ساله معاویه بن ابی‌سفیان، زمان خلافت به دست فرزند پلیدش یزید بن معاویه افتاد که امامان اهل بیت(ع) سسکوت را جایز ندیده و شجره اسلام را با خون خود سیراب کردند.

زام خلافت به دست یزیدبن معاویه افتاده بود که شراب می‌خورد و وحی و دین را مسخره می‌کرد.
۱- امام حسین(ع) با نهضت خود که سرانجام به شهادت او و هفتاد و نون تن از یارانش انجامید، سکوت و بی‌تفاوتی مسلمانان را درهم کوبید. پس از حادثه کربلا که خشم جهانیان را بر امویان برافروخت، یزید پس از اندی درگذشت و فرزند صالح او معاویه، خود را از خلافت عزل کرد، در این هنگام فرصت‌طلبانی مانند مروان بن حکم و فرزندان او، زمام خلافت را به دست گرفتند و از سال ۶۴ تا ۱۲۲ بر اسلام و

اهل بیت (ع) و تمدن اسلامی

نقش ائمه اطهار (ع) در صیانت از اسلام ناب محمدی



یکی از پایه‌های تمدن علمی، شناخت عالم طبیعت و قوانین آن است و در عصر حضرت صادق(ع) شاگرد نامدار او جابرین حیان در علوم طبیعی به پایه‌ای رسید که او را امروز پدر علم شیمی می‌نامند.

مسلمانان تاخندند.
۲- امام چهارم(ع) در پربای از حقایق و معارف اسلام را به صورت دعا و مناجات با پروردگار بیان کرد و گنجینه‌ای ارزنده و آکنده از مفاهیم بلند معنوی را به نام «صحیفه سجادیه» به امت اسلامی عرضه کرد که در ارزش و اعتبار آن همین‌قدر بس که «انجیل اهل بیت» و «زبور آل‌محمد» لقب گرفته است.

در سال ۱۲۵۳ قمری، یکی از مراجع بزرگ در قم، نسخه‌ای از صحیفه سجادیه را برای علامه معاصر خویش طنطاوی (مؤلف تفسیر طنطاوی و مفتی اسکندریه) به قاهره فرستاد. وی پس از تشکر از دریافت این هدیه گرانبها و ستایش فراوان از آن، در پاسخ چنین نوشت:

«این از بدیختی ما است که تاکنون بر این اثر گرانبهای جاوید که از مواریت نبوت است، دست نیافته بودیم، من هرچه در آن می‌نگرم، آن را از گفتار مخلوق برتر و از کلام خالق فروت می‌یابم.»^(۱)

همچنین «رساله الحقوق»، میراث علمی ارزنده دیگری است که از آن بزرگوار باقی مانده و در محافل علمی، ارزش تربیتی و اخلاقی آن شناخته شده است.

۳- اسام باقر(ع) (۵۷-۱۴ ه‍.ق) و اسام صادق(ع) (۸۳-۴۸ ه‍.ق) که در دوران ممنوعیت رسمی نقل و کتابت حدیث زندگی می‌کردندو می‌دانیم این ممنوعیت چه آثار زاینباری برای فرهنگ و معارف اسلام به‌بار آورد)، با تأسیس حوزه بزرگ اسلامی، هزاران شاگرد تربیت کردند و سنت پیامبر اکرم(ص) (گفتار و کردار او) را متصل به پیامبر از طریق پدرانشان حفظ و به نسل بعدی منتقل کردند. ممنوعیت نقل حدیث، عملا توسط منصور دوانیقی عباسی در سال ۱۴۳ هجری قمری لغو شد^(۲). هرچند ائمه از تو نخست، این ممنوعیت را قبول نداشتند و امام باقر و امام صادق(ع) بسیار پیش از اقدام منصور، شاگردانی تقه، ضابط، حافظ و مفتی مانند: محمدبن مسلم، جابرین یزید جعفی، زراره بن اعبن، حمران بن اعبن و هشام بن سالم تربیت کردند که هزاران حدیث در فقه و تفسیر و به طور کلی در باب معارف اسلامی فراگرفتند. به علاوه، ائمه از پامال‌شان و جمل و تحریر و در سنت نبوی جلوگیری کردند. امام صادق(ع) با فتنه و شیطننت مادی گراها و منکران خدا امثال عبدالکریم بن ابی‌الموجادهری مشهور) مبارزه و یا ن از خشتی کرد.

عبدالکریم پسر ابی‌العوجاء پیش از اجرای حکم اعدامش به دستور خلیفه وقت، به وی گفت: «کنون که مرا می‌کشید، بدانید که چهار هزار حدیث به احادیث شما افزودم.»^(۳) این احادیث جعلی مربوط به حوزه فعالیت ائمه نبود، بلکه به حوزه حدیثی رسمی مربوط می‌شد که از اهل بیت فاصله گرفته بودند.

اشتباهات رایج در روایت وقایع عاشورا

عاشورا، گرمی هوا و شدت مبارزه مربوط است.

شیخ عباس قمی(ره) در منتهی‌الامال می‌گوید: «شب عاشورا امام حسین(ع)، حضرت علی‌اکبر(ع) را با سی سوار و بیست پیاده فرستاد که چند مشک آب آورند و اهل بیست و اصحاب خود را فرمود که از این آب بیاشامد، آخر توشه شماشست و وضو بسازید و غسل کنید.»

اشتباه سوم

یکی از معروف‌ترین تحریف‌ها ماجرای حضرت لیلی مادر حضرت علی‌اکبر(ع) است وچه روضه‌ها که در این زمینه خوانده نمی‌شود؛ در روضه‌ها ذکر می‌شود که حضرت علی اکبر قبل از رفتن به میدان با مادرش چه نواهایی می‌کرد، یا اینکه حضرت لیلی را خیمه‌ها رفته و در آنجا دعا کرده که خداوند حضرت علی اکبر را سالم برگرداند که متأسفانه این موضوع محور بعضی تعزیه‌ها نیز شده است.

اما حقیقت این است که تمام شهدای کربلا در روز عاشورا به شهادت رسیدند و حضرت ابوالفضل، علی‌اکبر و علی‌اصغر همه قبل از امام حسین(ع) و در روز عاشورا در پیکار با سپاه عمر سعد کشته شدند.

حضرت قیة(س) نیز پس از شهادت پدرش در شام از دنیا رفته است.

اشتباه دوم

باور عمومی این است که حضرت حسین‌بن‌علی(ع) و اهل بیت و اصحابش سه شبانه‌روز آب نوشیدند و سپس تشنه کالم به مقابله با دشمن رفته‌اند؛ اما حقیقت این است که عمر سعد سه روز قبل از عاشورا معزوب حجاج را با پانصد سوار فرستاد تا کنار شریعه فرود آیند و میان یاران حسین و آب فاصله اندازند. اما این به این معنی نیست که هیچ ذخیره ای در آنجا نداشتند.
در کتاب ارشاد نوشته شیخ مفید(ره) آمده است: «در شب عاشورا زینب(س)...) دست برگریبان برده... و بیپوش بر زمین افتاد. حسین(ع) برخاسته آب بر روی خواهر پاشید و...» این نقل معتبر نشان می‌دهد که تا شب عاشورا هنوز آب در خیمه‌ها بوده واصل تشنه کالمی به روز

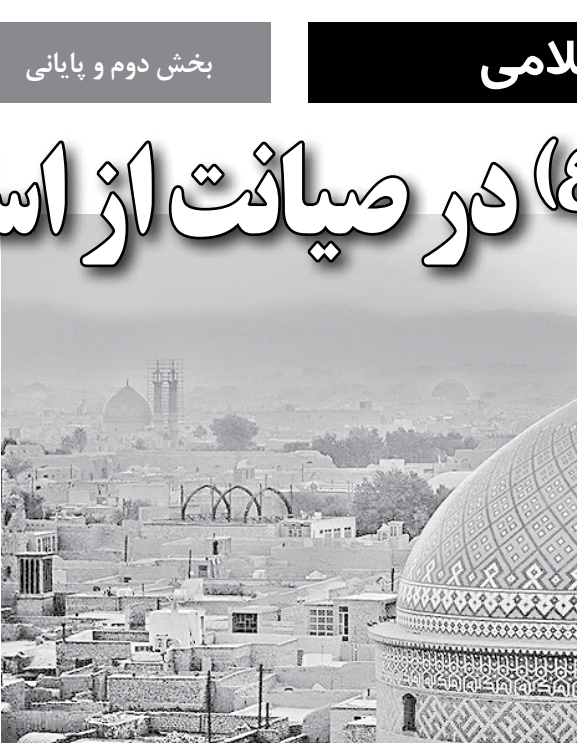
معارفMaaref@Kayhan.ir

نقش ائمه(ع) در آموزش عقاید به مسلمانان
۴- (ائمه(ع) نقش بزرگی در آموزش عقاید و خدشناسی خالص داشتند. عقایدی که امامان به مسلمانان آموختند، سراسر تنزیه خداوند از تجسیم و تشبیه و پیراستگی خدا از ظلم و نقص بود. به عنوان نمونه می‌توان دو کتاب را که در یک قرن درباره توحید نوشته شده، در کنار هم قرار داد و آن دو را با هم مقایسه و آنگاه دآوری کرد: الف- توحید ابن خزیمه(متوفای ۲۱۱ هجری) که احادیثی درباره خدا نقل می‌کند که در آن جسمیت و جهت داشتن برای و عاری بودن او از عدل کاملا پیدا است. بی‌شک این گونه صفات برای خدا اسرائیلیات است. همچنین احادیث حاکی از جبر- که بطلان آن آشکار است- در این کتاب نقل شده است.

ب- توحید صدوق (متوفای ۲۸۱ هجری) که شامل عقاید برگرفته از ائمه و احادیث آنها است. این کتاب، سراسر تنزیه و پیراستگی خدا از جسمیت و داشتن جهت و توصیف او به عدل و دیگر صفات کمال و جلال است.

در زمینه عقاید، یکی دیگر از جهادهای علمی امامان، مبارزه با غلات(غلوکنندگان) است. آن بزرگواران، هم در اولویت و هم در موضوع نبوت، با غالیان، مبارزه قاطع داشتند و این مبارزه، تاریخچه‌ای از

امام چهارم(ع) در پربای از حقایق و معارف اسلام را به صورت دعا و مناجات با پروردگار بیان کرد و گنجینه‌ای ارزنده و آکنده از مفاهیم بلند معنوی را به نام «صحیفه سجادیه» به امت اسلامی عرضه کرد که در ارزش و اعتبار آن همین‌قدر بس که «انجیل اهل بیست» و «زبور آل‌محمد» لقب گرفته است.



در زمینه عقاید، یکی از جهادهای علمی امامان، مبارزه با غلات(غلوکنندگان) است. آن بزرگواران، هم در اولویت و هم در موضوع نبوت، با غالیان، مبارزه قاطع داشتند و این مبارزه، تاریخچه‌ای درخشان اما پر‌دردسر و رنجبار برای ائمه به دنبال داشته و موضوع کتاب‌ها و رساله‌های علمی است.

درخشان اما پر‌دردسر و رنجبار برای ائمه به دنبال داشته و موضوع کتاب‌ها و رساله‌های علمی است.

۵- امام رضاع(ع) در عهذ مامون عباسی، از شرکت در حکومت و امور اجرایی خودداری کرد اما مناظرات و احتجاج‌های گسترده‌ای با روسای ادیان و مذاهب و فرقه‌های مختلف داشت که طی آنها حقانیت اسلام و قرآن را ثابت کرد و افکار و عقاید باطل آنها را فاش ساخت. این مناظرات چون در مرکز حکومت و دربار مامون تشکیل می‌شد، آوازه آن به نقاط مختلف کشور می‌رسید و شکوک و شبهات و اشکالات مخالفان اسلام را برطرف می‌کرد. از این نظر مجلس آن حضرت، پایگاه هدایت و روشنگری و گرمی‌بخش قلوب مسلمانان بود. خوشبختانه امروز آن مباحث و مناظرات در دسترس است و گواه روشنی بر صدق

در سال ۱۲۵۳ قمری، یکی از مراجع بزرگ در قم، نسخه‌ای از صحیفه سجادیه را برای علامه معاصر خویش طنطاوی (مؤلف تفسیر طنطاوی و مفتی اسکندریه) به قاهره فرستاد. وی پس از تشکر از دریافت این هدیه گرانبها و ستایش فراوان از آن، در پاسخ چنین نوشت:

نبوت است، دست نیافته بودیم، من هرچه در آن می‌نگرم، آن را از گفتار مخلوق برتر و از کلام خالق فروت می‌یابم،»

این مدعا می‌باشد.
۶- به آنکه ائمه بعدی، از صحنه قدرت برکنار بودند و حکومت و سپاه و بیت‌المال، همه در دست خلفای وقت بود، اما گاهی اساس اسلام و مصالح مسلمین چنان به خطر می‌افتاد و دستگاه دولتی و مردم چنان در بن‌بست قرار می‌گرفتند که جز با سرانگشت تدبیر امام، قابل شکستن و گشودن نبود. یکی از نمونه‌های آن، رهنمود امام هادی(ع) در افشای ماهرانه یک راهب مسیحی بود که مردم را به شهیه افکنده و موجب گرایش آنها به مسیحیت شده بود. توضیح اینکه یک سال شایانی به جهان اسلام عرضه کرده است که ذکر نام و اسامی آنان در این مختصر نمی‌گنجد.

آنچه گفته شد، مربوط به علوم نقلی است، حال آنکه شیعیان در علوم عقلی مانند کلام و فلسفه نیز بر تمام مذاهب تقدم داشته‌اند، زیرا شیعه بیش از تمام فرقه‌های اسلامی به عقل بها داده است و با الهام از گفتارهای امیرمؤمنان و فرزندان معصوم او در تبیین عقاید اسلامی بیش از حد کوشش کرده و تحریف‌ها عالیهقرو و فلاسفه‌ای بزرگ به جهان اسلام تحویل داده است، چندان که کلام شیعی یکی از پربارترین مکاتب کلام اسلامی است که علاوه بر کتاب و سنت، از

عقل و خرد به نحو شایسته بهره می‌گیرد.

یکی از پایه‌های تمدن علمی، شناخت عالم طبیعت و قوانین آن است و در عصر حضرت صادق(ع)، شاگرد نامدار او جابرین حیان در علوم طبیعی به پایه‌ای رسید که او را امروز پدر علم شیمی می‌نامند. همچنین در تدوین علوم جغرافیاء، احمدبن یعقوب، معروف به یعقوبی (متوفای ۲۹۰ هجری) نخستین جغرافی‌فانی است که کشور پهناور اسلامی را زیر پا نهاد و کتابی به نام «البلدان» نگاشت. این تلاش همه‌جانبه توسط دانشمندان شیعه از قرن نخست هجری تا به امروز ادامه داشته و در این راه حوزه‌ها و مدارس و دانشگاه‌های فراوانی تأسیس کرده‌اند که پیوسته در راه علم و دانش، خدمتگزار بشریت بوده است. آنچه گفته شد، اشار‌های گذرا به نقش ائمه شیعه در علم و تمدن اسلامی بود و برای آگاهی بیشتر می‌توانید به کتاب‌های مربوط به این موضوع رجوع نمائید. ^(۴)

۱- تابعین، عنوانی برای نسلی از عالمان دینی است که به درک پیامبر(ص) نائل نشده اما اصحاب آن حضرت را در کرد کرده‌اند. تابعین، افرادی هستند که با یک یا چند تن از صحابه ملاقات یا صحبت کرده‌اند و چنانچه کسی هیچ یک از صحابه را در حال اسلام ندیده ولی با تابعین ملاقات کرده، وی را تبع تابعین یا اتباع تابعین نامند.
۲- صحیفه سجادیه، ترجمه سید صدرالدین صدر بلأقی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، مقدمه، ص ۲۷.
۳- سیوطی، تاریخ‌الخطاه، ص ۱۷۰.
۴- امالی سیدمرتضی، ج ۱، ص ۱۲۷، تهذیب‌التهذیب، ج ۳، ص ۱۱.
۵- شهبلینجی، نورالایصار، ج ۱: ۱۶۷؛ این شهرآشوب، مناقب آل ابی‌طالب، ج ۴، ص ۴۲۵.
۶- فهرست ابن‌نذیم، رجال نجاشی، فهرست شیخ طوسی، تأسیس الشیعه، الذریعه الی تصانیف الشیعه، آعیان الشیعه، و جلد ششم از «بحوث فی‌الامال و الحل» و کتب دیگر.

شیعیان در علوم عقلی مانند کلام و فلسفه نیز بر تمام مذاهب تقدم داشته‌اند، زیرا شیعه بیش از تمام فرقه‌های اسلامی به عقل بها داده است و با الهام از گفتارهای امیرمؤمنان و فرزندان معصوم او در تبیین عقاید اسلامی بیش از حد کوشش کرده و تکملات‌های عالیهقرو و فلاسفه‌ای بزرگ به جهان اسلامی تحویل داده است، چندان که کلام شیعی یکی از پربارترین مکاتب کلام اسلامی است که علاوه بر کتاب و سنت، از

عقل و خرد به نحو شایسته بهره می‌گیرد.

از راهبان هر وقت دست خود را به سوی آسمان بلند می‌کرد، بارانی درشت فرو می‌بارید. روز بعد نیز همین امر تکرار شد و همین موضوع موجب شگفت مردم و شک و تردید آنان و تمایل به مسیحیت در میان بسیاری از مسلمانان شد. این وضع، خلیفه را در تنگنا قرار داد و ناگزیر امام هادی را که زندانی بود به دربار خواست و گفت: امت جدت را در پرباک که گمراه شده‌اند!

امام هادی(ع) از خلیفه خواست که دستور دهد جاثلیق و راهبان، روز دیگر نیز جهت طلب باران به صحرا بروند. آنگاه امام خود در صحرا حاضر شد و راهبی را که استخوانی در دست داشت و هر وقت آن را به سوی آسمان می‌گرفت، باران نازل می‌شد، معرفی کرد و فرمود: آن استخوان، استخوان پیامبری از پیامبران است که از قبر او برداشته است. هر وقت استخوان پیامبری ظاهر شود، باران نازل می‌شود. ^(۵) بدین‌گونه مشّت آن راهب باز شد و یک فتنه بزرگ که عقیده مردم را متزلزل کرده بود، برطرف گردید.

اینها گوشه‌ای از خدمات ارزنده امامان در عصر خفقان است. اکنون

نقش شیعیان در تمدن اسلامی

تمدن اسلامی موهون تلاش‌های بی‌وقفه امت اسلامی است. آنان با داشتن ملیت‌ها گوناگون، در سایه ایمان و عقیده، در اسلام و خدمت به آن ذوب شدند و همه تلاش خود را در مسیر پیشبرد اهداف عالی اسلام به کار گرفتند و در نتیجه، تمدنی را پایه‌گذاری کردند که هم‌اکنون جامعه بشری، موهون آن تمدن درخشان است.
در این میان، شیعه با الهام از تعالیم امامان در برافراشتن بنای شکوهمند تمدن اسلامی نقش مؤثری داشته است، با مراجعه به کتاب‌های مربوط به علوم و تمدن اسلامی، مشاهده می‌کنیم که همه‌جا نام دانشمندان شیعه می‌درخشد.

در بیان نقش آنان در ادبیات و علوم ادبی همین بس که پایه‌گذار علم نحو، امیرمؤمنان علی(ع) و ادامه دهنده راه او شاگردش، ابوالاسود دولتی بود و پس از وی شخصیت‌های شیعی که غالباً در عراق می‌زیستند مانند: منزوی (متوفای ۲۲۸)، ابن سکیت (متوفای ۲۲۱) ابو اسحاق نجوی (از یاران امام کاظم(ع))، خلیل‌بن احمد فراهمدی (مؤلف کتاب «العبن» (متوفای ۱۷۰)، ابن دین مؤلف کتاب «الجمهره» (متوفای ۳۲۱) و صاحب بن عبید، مؤلف کتاب «المحیط» (متوفای ۲۸۶) و ده‌ها ادیب شیعی دیگر، هر یک در عصر خود سرآمد علوم لغت و نحو و صرف و ی شعر و عروض بودند.

در علم تفسیر، پس از رسول خاندان (اولین مفسر، امیرمؤمنان علی(ع)) و ائمه اهل بیت(ع)، و پس از آنان عبدالله بن عباس (متوفای ۶۸) و دیگر شاگردان آنان بوده‌اند. در طول چهارده قرن، صدها تفسیر بر قرآن به صورت‌های مختلف نوشته‌اند و ما سیر تاریخی تفسیرنگاری شیعه را در مقدمه «شیان» شیخ طوسی به تفصیل نگاهشتم. در علم حدیث نیز شیعه بر دیگر فرق اسلامی تقدم داشته و سنت رسول خدا(ص) را حتی در زمانی که نوشتن حدیث در عصر خلفا ممنوع بود، با نوشتن و مذاکره، حفظ کردند. در این‌باره می‌توان از عبدالله‌بن ابی‌رافع، «ربیع بن سمیع» و «علی‌بن ابی رافع» از یاران امام‌علی(ع) و سپس شخصیت‌های از شاگردان امام سجاد و حضرت صادق و باقر(ع) یاد کرد.

روشد حدیث در عصر حضرت صادق(ع) به جایی رسید که حسن‌بن علی اشاعه می‌گوید: من مسجد کوفه نهصد محدث را دیدم که همگی می‌گفتند: حدیثی جعفربن محمد.

در سال ۱۲۵۳ قمری، یکی از مراجع بزرگ در قم، نسخه‌ای از صحیفه سجادیه را برای علامه معاصر خویش طنطاوی (مؤلف تفسیر طنطاوی و مفتی اسکندریه) به قاهره فرستاد. وی پس از تشکر از دریافت این هدیه گرانبها و ستایش فراوان از آن، در پاسخ چنین نوشت:

نبوت است، دست نیافته بودیم، من هرچه در آن می‌نگرم، آن را از گفتار مخلوق برتر و از کلام خالق فروت می‌یابم،»

در قلمرو فقه، در مکتب پیشوایان اهل بیت(ع) مجتهدان برجسته‌ای تربیت شده‌اند، مانند ابان‌بن تغلب (متوفای ۱۴۱)، زراره بن اعبن (متوفای ۱۵۰)، محمدبن مسلم (متوفای ۱۵۸)، فضل‌بن یحیی بجلی مؤلف سی کتاب (متوفای ۲۱۰ ه‍.ق) و صداهو مجتهد توانا و محقق مانند شیخ مفید، سید مرتضی، شیخ طوسی و ابن ادریس، محقق حلی و علامه حلی که آثار گرانبهای از خود به یادگار گذاشته‌اند.

شیعه نه‌تنها در این علوم تلاشگر و خدمتگزار بود، بلکه در دیگر علوم مانند تاریخ و مغازی، و رجال و درایه، شعر و ادب نیز خدمات شایانی به جهان اسلام عرضه کرده است که ذکر نام و اسامی آنان در این مختصر نمی‌گنجد.

آنچه گفته شد، مربوط به علوم نقلی است، حال آنکه شیعیان در علوم عقلی مانند کلام و فلسفه نیز بر تمام مذاهب تقدم داشته‌اند، زیرا شیعه بیش از تمام فرقه‌های اسلامی به عقل بها داده است و با الهام از گفتارهای امیرمؤمنان و فرزندان معصوم او در تبیین عقاید اسلامی بیش از حد کوشش کرده و تحریف‌ها عالیهقرو و فلاسفه‌ای بزرگ به جهان اسلام تحویل داده است، چندان که کلام شیعی یکی از پربارترین مکاتب کلام اسلامی است که علاوه بر کتاب و سنت، از

عقل و خرد به نحو شایسته بهره می‌گیرد.
یکی از پایه‌های تمدن علمی، شناخت عالم طبیعت و قوانین آن است و در عصر حضرت صادق(ع)، شاگرد نامدار او جابرین حیان در علوم طبیعی به پایه‌ای رسید که او را امروز پدر علم شیمی می‌نامند. همچنین در تدوین علوم جغرافیاء، احمدبن یعقوب، معروف به یعقوبی (متوفای ۲۹۰ هجری) نخستین جغرافی‌فانی است که کشور پهناور اسلامی را زیر پا نهاد و کتابی به نام «البلدان» نگاشت. این تلاش همه‌جانبه توسط دانشمندان شیعه از قرن نخست هجری تا به امروز ادامه داشته و در این راه حوزه‌ها و مدارس و دانشگاه‌های فراوانی تأسیس کرده‌اند که پیوسته در راه علم و دانش، خدمتگزار بشریت بوده است. آنچه گفته شد، اشار‌های گذرا به نقش ائمه شیعه در علم و تمدن اسلامی بود و برای آگاهی بیشتر می‌توانید به کتاب‌های مربوط به این موضوع رجوع نمائید. ^(۴)

۱- تابعین، عنوانی برای نسلی از عالمان دینی است که به درک پیامبر(ص) نائل نشده اما اصحاب آن حضرت را در کرد کرده‌اند. تابعین، افرادی هستند که با یک یا چند تن از صحابه ملاقات یا صحبت کرده‌اند و چنانچه کسی هیچ یک از صحابه را در حال اسلام ندیده ولی با تابعین ملاقات کرده، وی را تبع تابعین یا اتباع تابعین نامند.
۲- صحیفه سجادیه، ترجمه سید صدرالدین صدر بلأقی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، مقدمه، ص ۲۷.
۳- سیوطی، تاریخ‌الخطاه، ص ۱۷۰.
۴- امالی سیدمرتضی، ج ۱، ص ۱۲۷، تهذیب‌التهذیب، ج ۳، ص ۱۱.
۵- شهبلینجی، نورالایصار، ج ۱: ۱۶۷؛ این شهرآشوب، مناقب آل ابی‌طالب، ج ۴، ص ۴۲۵.
۶- فهرست ابن‌نذیم، رجال نجاشی، فهرست شیخ طوسی، تأسیس الشیعه، الذریعه الی تصانیف الشیعه، آعیان الشیعه، و جلد ششم از «بحوث فی‌الامال و الحل» و کتب دیگر.

صفحه ۶

یک‌شنبه ۲۲ مهر ۱۳۹۶

۲۴ محرم ۱۴۳۹ – شماره ۲۱۷۴۶



چراغ راه

بخشش بدون چشمداشت

قال الامام الحسین (ع): «ان ايجاد الناس من اعطی من لای‌رجو»

امام حسین (ع) فرمود: بخشندترین مردم کسی است که بدون

چشمداشت و توقع به کسی که امیدی ندارد، ببخشد.^(۱)

۱- بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۱۲۱

حکایت خوبان

کمک به اندازه معرفت

فرد نازمندی نزد امام حسین(ع) رفت و از آن حضرت درخواست کمک کرد. امام حسین(ع) فرمود: چه کمکی از من ساخته است؟ عرض کرد: ضمانت کرده‌ام یک ديه کامل و خونپا بپردازم، اما توان ندارم کمک کنید، وگرنه بپچاره و بدبخت می‌شوم. امام حسین(ع) فرمود: بین برادر روزی از جدم (رسول‌الله(ص)) شنیدم که فرمود: «المعروف بقدر معرفه» وبخشش و نیکی باید به اندازه معرفت باشد. اکنون از تو سه سؤال می‌پرسم، اگر هر سه را جواب دادی همه خونپاهایی را که برعهده تو است می‌پردازم، و اگر دو سؤال را جواب دادی دو‌سوم و چنانچه یکی را پاسخ یخی یک سوم را. او گفت: خود شما معدن علم و دانش هستيد، از من چه انتظاری هست؟ با این وجود پرسید، اگر نوانستم پاسخ می‌دهم، در غیر این صورت مطلبی از شما یاد گرفته‌ام. امام حسین(ع) فرمود: آیا می‌دانی بهترین و با فضیلت‌ترین عمل کدام است؟ ایمان داشتن به ذات حق. امام حسین(ع): آن چیست که انسان را از سقوط در دره هلاکت نجات می‌دهد؟ اعتماد کردن و تکیه بر خداوند. امام حسین(ع): برای مرد چه چیزی زینت است؟ آن دانشی که با صبر و بردباری همراه باشد. امام حسین(ع): اگر آن را ندانشت زینت مرد چیست؟ مال و ثروتی که توأم با موت و جانمردی باشد. امام حسین(ع): و اگر آن را هم نداشته باشد چه؟ این‌بار مرد سرش را پایین انداخت و به فکر فرو رفت و پس از چند لحظه سرش را بلند کرد و گفت: فقری که با صبر و شکیبایی همراه باشد. امام حسین(ع) لبخندی زد و گفت: آخرین سؤال، اگر این را هم نداشتی؟ زینتشان این است که صافکاری از آسمان بیاید و او را خاکستر کند. امام حسین(ع) خندید و او را به خانه برد و علاوه بر هزار دینار، انگشترش را نیز به او بخشید. سپس گفت: با پولها بدهی‌ات را بپرداز و با فروش این انگشتر مخارج خود را تأمین کن. از شدت خوشحالی و شادی اشک شوق در چشمان مرد عرب حلقه زد، دست امام را بوسید و او را در آغوش گرفت و در لحظه خداحافظی گفت: خداوند بهتر می‌داند که راستش را در کجا قرار دهد. ^(۱)

۱- بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۱۹۱

پرسش و پاسخ

چراپی نقض عهدکوفیان

پرسش:
چرا کوفیانی که با آن همه شور و شوق به امام حسین(ع) نامه نوشتند